



ساختار تشکیلات حوزه‌های علمیه

تشکیلات **حوزه‌های علمیه**، گروهی از علما، مراجع تقلید، مجتهدان، راویان و محدثانی که پیرو و معتقد به امامت **حضرت علی** و فرزندان **معصوم** (علیهم‌السلام) هستند و تحت یک نظام فرهنگی و اجتماعی در راه تحقق اهداف خاصی شکل گرفته و فعالیت می‌کنند. در این مقاله ساختار و شاخص‌های درونی حوزه‌های علمیه از قبیل اهداف، سلسله مراتب، ارزش‌ها و هنجارها بررسی می‌شود.

فهرست مندرجات

- ۱ - اهداف سازمان روحانیت شیعه
 - ۱.۱ - اهداف معرفتی و آموزشی
 - ۱.۲ - اهداف تبلیغی و دفاع از ارزش‌های اسلامی
 - ۱.۳ - اهداف تربیتی و اخلاقی
 - ۱.۴ - اهداف علمی و کلامی
- ۲ - سلسله مراتب
 - ۲.۱ - مرجعیت و ریاست
 - ۲.۲ - نماینده و جانشین غیر رسمی
 - ۲.۳ - طلاب و فضلا
- ۳ - مراکز آموزشی
 - ۳.۱ - مساجد
 - ۳.۲ - مکتب‌خانه‌ها
 - ۳.۳ - مدارس
- ۴ - شیوه‌های گزینش طلاب و نحوه تدریس
- ۵ - منابع مالی
 - ۵.۱ - وجوه شرعی
 - ۵.۲ - موقوفات و بخشش‌ها
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

اهداف سازمان روحانیت شیعه

باید یادآوری نمود که **انسان** برای رسیدن به هدف و یا اهداف مشترک، با فعالیت‌های مشترک و هماهنگ در کنار هم برای تسهیل وصول به هدفشان فعالیت‌های خود را سازمان‌دهی نموده و تشکیلی را به وجود می‌آورند.

سازمان **روحانیت شیعه** نیز از این قاعده مستثنا نیست، به ویژه آن که عنصر هدف داری در به وجود آمدن آن نقش به سزایی داشته است. برای این که اهداف این سازمان را بهتر بشناسیم، لازم است به فلسفه وجودی حوزه‌های علمیه **شیعه** و روحانیت بپردازیم.

دین اسلام به عنوان آخرین **دین** از ادیان آسمانی با **بعثت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** و با داعیه جهانی و جاویدانی داشتن، به جوامع انسانی عرضه شد. طبیعی است که ابلاغ و تبیین اصول مبانی این دین، به مبلغ و رهبری نیاز داشت. رسالت حضرت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این جهت بود و پس از آن، **امامت** به عنوان تداوم خط رسالت در **جهان‌بینی** شیعی مطرح است. در دو **عصر رسالت** و امامت، تمام مسؤولیت بر دوش پیامبر و **ائمه اطهار** (علیهم‌السلام) بود که بسته به شرایط زمانی و مکانی، در راه تحقق اهداف اسلامی و گسترش معارف دینی، فعالیت‌هایی را در این زمینه هدایت می‌کردند. پس از **عصر رسالت** و امامت، با توجه به آیه «و ما کان المؤمنون لیفرّوا کافّةً فلو لا نفر منکلی فرّقهم منهم طائفةً لیتنفّحوا فی الدّین و لیندرزوا قومهم إذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون» [۱] توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۲.

که لزوم هجرت به مراکز و نهادهای علمی برای تعلیم و تعلم مطرح می‌شود، معارف دینی در قالب **انذار** و **تبشیر** به مردم عرضه می‌گردید.

با توجه به سیره عملی پیامبر و امامان معصوم (علیهم‌السلام) که افراد را به عنوان تداوم بخش خط رسالت و امامت معرفی کرده‌اند، مسؤولیت بزرگ و وظیفه خطیر آموزش و نشر معارف دینی به عهده عالمان دینی است. بنابراین، اهداف حوزه و سازمان روحانیت شیعه در واقع همان اهدافی است که در دوره‌های حضور معصومان (علیهم‌السلام) و با رهبری آنان پی گیری می‌شد. این اهداف اگر چه به صورت مدون در منابع نگاشته نشده، به طور طبیعی و منطقی - تحلیلی می‌توان آنها را در موارد ذیل خلاصه کرد:

← اهداف معرفتی و آموزشی

یکی از اهدافی که در شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه نقش داشته، موضوع شناخت مبانی و آموزه‌های دینی و نیز آموزش و تعلیم و تربیت مدرسان و مبلغان در علوم و معارف **اهل‌بیت** (علیهم‌السلام) بوده است. حوزه به عنوان نهادی آموزشی در سطح عالی و در پی تداوم خط مشی پیامبر و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، عهده‌دار مسؤولیت تربیت و آموزش نیروهای فکری مورد نیاز جامعه است؛ تربیت و آموزش افرادی شایسته که بعداً بتوانند به عنوان مبلغ دینی، احکام و مسائل را به مردم برسانند و هم چنین در علوم و معارف اسلامی تدریس و تحقیق کنند. روشن است که مراکز علمی، یگانه نهادی است که افراد آموزش‌های اسلامی لازم را در آن جا فرا می‌گیرند.

حوزه و سازمان روحانیت شیعه، در **عصر عبیت** نیز به همین منظور بوده است و از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های حوزه علمیه شیعه در **بغداد** با ریاست و مدیریت **شیخ مفید**، **سید مرتضی** و **شیخ طوسی**، شناخت، آموزش، تعلیم اصول اعتقادی و آموزه‌های دینی و نیز گسترش آنها برای دیگر مناطق شیعی بود. از مظاهر گام برداشتن در راه شناخت و تقویت مبانی دینی و فکری شیعه، **پویایی فقه** و علوم و مبانی معرفتی در حوزه‌های علمیه شیعی و سیر تکاملی آنها پس از تاسیس حوزه روحانیت است.

← اهداف تبلیغی و دفاع از ارزش‌های اسلامی

پس از مرحله شناخت و دیدن آموزش‌های لازم، **تبلیغ** صحیح دین و مبانی آن برای دیگران، از اهداف مهم تشکیلات دینی بوده است. دانشمندان و شاگردان حوزه، پس از آن که درحوزه با آموزه‌های دینی آشنا شدند، به عنوان مبلغان دینی به سرزمین‌های اسلامی رهسپار می‌شوند تا آن چه را از دین آموخته‌اند، به مردم انتقال دهند. مراکز علمی نبوی و دیگر امامان معصوم (علیهم‌السلام) در این زمینه، هزاران شاگرد پرورش دادند تا آنها را به دیگر سرزمین‌های اسلامی برای تبلیغ و نشر معارف دینی اعزام کنند و این هدف، همواره در برنامه‌های اصلی تأسیس مراکز آموزشی علمی شیعی بوده است. روحانیت و عالمان دینی، هم چنان که شناخت و تبلیغ مبانی و ارزش‌های دینی و ترویج اخلاق اسلامی را در عصر غیبت به عهده داشته‌اند، برای رسیدن به این هدف به صورت متمرکز و با برنامه‌های تبلیغی و دفاعی در تاریخ استمرار یافته‌اند. در تاریخ تشیع، علمای دینی بسیاری وجود داشته‌اند که برای رسیدن به این هدف، به شهادت رسیده‌اند.

← اهداف تربیتی و اخلاقی

حوزه و تشکیلات دینی، افزون بر مسؤولیت‌هایش در سمت‌های شناخت و تبلیغ دین، با اقتدا به **سیره** پیامبران و امامان معصوم (علیهم‌السلام) وظیفه حساس ترویج اخلاق و معنویت و مبارزه با فساد و فحشا را به عهده دارد. **اسلام** از آغاز، به دنبال انسان صالح، **رشد اخلاقی** و تکامل علمی بشر (هو الذی بعث فی الاممین رسولاً منهم يتلو عليهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه)

[۲] *جمعه/سوره ۶۲، آیه ۲۹.*

و نیز تشکیل جامعه بر اساس قسط و عدل (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط)

[۳] *حدید/سوره ۵۷، آیه ۲۵.*

بوده است.

در پیشینه تاریخی تشکیلات دینی دیدم که در عصر رسالت و امامت، پیامبر و امامان معصوم (علیهم‌السلام) همواره در پی جذب افراد لایق و مستعد و آموزش مبانی دینی به آنها بودند تا از این راه، اهداف تربیتی‌شان را درجامعه پیاده کنند. پس از عصر غیبت صغری و هم زمان با پیدایش سازمان روحانیت شیعه و تمرکز فعالیت‌های آموزشی در بغداد، صدها فقیه و مجتهد در آن مرکز برای تحقق اهداف مزبور تربیت شدند. حوزه و سازمان روحانیت شیعه به عنوان پاسدار و تداوم بخش خط انبیا و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و به عنوان سازمان‌دهنده برنامه‌های تربیتی و اخلاقی در طول تاریخ، در این راستا گام‌های بلندی برداشته و با آموزش افراد و اعزام مبلغ به مناطق مورد نیاز، در راه تحقق این هدف کوشیده است.

← اهداف علمی و کلامی

رسیدگی به نیازهای دینی و فقهی شیعیان و پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهات عقیدتی و کلامی طرح شده از طرف غیرشیعیان، از جمله وظایف حوزه‌های علمی شیعه بوده است. همان‌گونه که در بخش سوم گذشت، یکی از دلایل پیدایش سازمان روحانیت شیعه، نیازهای درونی جامعه شیعه و پاسخگویی به مسائل کلامی پس از عصر غیبت صغری بود. علما و فقهای دینی آن سامان با درک این واقعیت اجتماعی، در پی جمع‌آوری احادیث و تدوین آنها برآمدند و هم زمان با آغاز فعالیت‌های آموزشی، زمینه‌ساز پدید آمدن مراکز آموزشی شدند تا از راه آموزش افرادی از سرزمین‌های و مناطق گوناگون در این مراکز علمی، بهتر بتوانند پاسخگویی به مسائل و مشکلات فقهی شیعیان باشند. هجرت طلاب و علما از مراکز گوناگون به مرکزیت اصلی در **حوزه بغداد** و سپس در **نجف** و تألیف آثار متعددی برای پاسخگویی به مسائل، نشانه آن است که یکی از اهداف مورد نظر در شکل‌گیری حوزه و تشکیلات دینی، ایجاد تسهیلات در رسیدگی به امور مذهبی شیعیان بوده است. شیعیان که تا پیش از این تاریخ، توسط امامان معصوم (علیهم‌السلام) یا وکیلا و نمایندگان آنها پاسخ‌های شرعی خود را دریافت می‌داشتند، از این تاریخ به بعد، جز علمای دینی مرجعی نداشتند. بدین روی، انجام این مسؤولیت تنها در قالب حوزه و ایجاد مرکزی برای تربیت افراد و تشکیل تشکیلات دینی میسر بود. آنان در زمینه پاسخ به شبهه‌ها و اعتراض‌های عقیدتی نیز تلاش‌های فراوانی از خود نشان دادند.

سلسله مراتب

فعالیت‌های آموزشی و تعلیماتی اسلامی از آغاز رسالت تا پایان عصر غیبت صغری، تحت سرپرستی امامان معصوم (علیهم‌السلام) انجام می‌شد و آنان ریاست و رهبری امور آموزشی و فرهنگی را عهده دار بودند و تقسیم وظایف و برنامه ریزی در زمینه‌های مربوط را انجام می‌دادند و به عنوان رئیس و پیشوا پیروی می‌شدند. در این مقطع، اگر چه آموزش و تدریس و تعلیم و تربیت وجود داشت، اما به صورت ساده و قالب خاص خود بود. ائمه معصوم (علیهم‌السلام)، معلم و آموزگار علوم و معارف اسلامی بودند و برای شاگردان خود درس می‌گفتند.

پس از دوران حضور مستقیم رهبران معصوم در عرصه‌های دینی و علمی، فقهای شیعی حرکت علمی را آغاز نمودند و به مرحله جدیدی از تحول گام نهادند. از آن زمان، حوزه و تشکیلات دینی به صورت ساده و ابتدایی شکل گرفت و به مرور زمان، تمایز وظایف، لیاقت‌ها، عناوین و پایگاه‌ها شکل گرفت. از این رهگذر، تفاوت میان مدیر، استادان و شاگردان شایسته تر و دیگران به وجود آمد. در فرایند رویدادهای جمعی نیز تصمیم از سوی رهبر و مدیر اتخاذ می‌شد و دیگران در اجرای آن مطیع بودند. در ذیل به این مراتب اشاره می‌شود:

← مرجعیت و ریاست

در نظام حوزه و روحانیت، بالاترین پایگاه به شخص رهبر و مرجع شیعیان اختصاص دارد. در نظام حوزه، بیش تر مناصب «ریاست» و «زعامت» حوزه و شیعیان جهان در یک فرد متمرکز بوده است؛ یعنی شخصی که به عنوان مرجع شیعیان مطرح بوده، مدیریت حوزه و تشکیلات دینی را نیز به عهده داشته است. در تاریخ حوزه و روحانیت شیعه، تا این اواخر، مدیر و ریاست حوزه به صورت انتخابی و طبق آیین‌نامه و به شکل رسمی نبوده، بلکه به صورت طبیعی، افرادی که از نظر دانش و فضل و تقوا نسبت به دیگران شایسته تر بودند، عهده دار این منصب می‌شدند و بر این اساس، آن فرد مشخص، هم مقام **مرجعیت** و هم منصب فتوادهی و مدیریت حوزه را برعهده داشت.

در نیمه دوم قرن چهارم به بعد، شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی، جزو علمای بودند که بر اساس توانایی علمی، لیاقت و شایستگی که داشتند، مقام مرجعیت و منصب ریاست حوزه و **علمای شیعه** به آنها اختصاص یافت. فقهای که از آنها نام برده شد، ضمن آن که به امور فتوایی و بیان مسائل شرعی رسیدگی می‌کردند، مدیریت و سرپرستی حوزه و تشکیلات دینی را نیز برعهده داشتند. به طور کلی مهم‌ترین وظایف آنان، هدایت حوزه در جهت ماهیت آن، اعتدال بخشیدن بدان، زمینه‌سازی برای رسیدن به اهداف اصلی حوزه، ترسیم خطوط فکری صحیح و جلوگیری از بروز افکار انحرافی در میان مجموعه مرتبط با حوزه بود.

← نماینده و جانشین غیر رسمی

در روحانیت شیعه، به مواردی بر می‌خوریم که در زمان عدم حضور استاد و رئیس حوزه، فرد دومی به عنوان جانشین او، وظایفش را در زمینه‌های تدریس و بیان مسائل شرعی و دیگر امور حوزه انجام می‌داده است. از جمله کسانی که نام برده شده‌اند، سید مرتضی است که در بعضی موارد، به عنوان شاگرد ممتاز حوزه درسی شیخ مفید که ریاست حوزه بغداد را عهده دار بود، وظایف او را انجام می‌داد. گاهی هم شخصی از سوی مدیر و رئیس حوزه برای انجام وظایف خاصی از قبیل تدریس، قضاوت و جمع آوری وجوهات در سرزمین‌های دیگر منصوب می‌شد؛ مثلاً **قاضی عبدالعزیز حلبی**، شاگرد شیخ طوسی، از طرف ایشان به مدت بیست سال در **طرابلس** منصب قضاوت را بر عهده داشت.

[۴] *مجله‌اندیشه حوزه، سال پنجم، ش ۱، (تابستان ۱۳۷۸)، به نقل از عبدالعزیز بن براج طرابلسی، المهدب، ج ۱.*

[۵] *مجله‌اندیشه حوزه، سال پنجم، ش ۱، (تابستان ۱۳۷۸)، به نقل از مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۲۹۷.*

حمزه بن عبدالعزیز نیز گاهی به نیابت از سید مرتضی در **بغداد** تدریس می‌کرد و بعدها از طرف سید، به امور قضاوت و فصل خصومات «حلب» منصوب شد. همچنین **ابوصلاح حلبی** که تحصیلات عالی‌اش را نزد سید مرتضی و شیخ طوسی گذراند، از سوی سید عهده‌دار تدریس و رسیدن به امور شرعی و **حسبیه** در سرزمین‌های **شام** و حلب گردید.

← طلاب و فضلا

طلاب در سطوح متفاوتی قرار دارند و موقعیت علمی و اجتماعی‌شان، اغلب با توجه به میزان تحصیلات و سال‌های تحصیلی که پشت سر گذاشته‌اند، حوزه‌ای

که در آن درس خوانده‌اند و استنادی که نزدش به فراگیری سطوح عالی مشغول بوده‌اند، سنجیده می‌شود. براین اساس اهدافی که در حوزه دنبال می‌شود، بیش‌تر طلاب و شاگردان پس از پشت سرگذشتن تحصیلات عالی، به بازدهی می‌رسند. از این رو، با مراجعه به مؤلفان، وظایف تبلیغ، تدریس و بیان احکام و مسائل دینی را انجام می‌دهند. این امر از گذشته مورد اهتمام بوده و علما پس از هجرت به سوی مراکز آموزش و فراگیری علوم متعارف اسلامی و متداول زمان، دوباره به سرزمین خود و گاه مناطقی که نیاز به روحانی داشته باشند، مراجعت می‌کرده‌اند.

مراکز آموزشی

گرایش به خواندن و نوشتن، هم زمان با بعثت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و از هنگام شکوفایی اسلام آغاز شد. نخستین نقش در امر تعلیم و آموزش را پیامبر ایفا نمود و با فراخواندن مردم به آیین اسلام و با استفاده از منازل و مساجد، به آموزش و نشر آموزه‌های دینی پرداخت. دکتر **احمد شبلی** درباره مراکز آموزشی در **صدر اسلام**، به انتخاب برخی از خانه‌های اصحاب برای تعلیم و آموزش اشاره کرده، می‌نویسد: یکی از منازلی که رسول خدا برای تجمع اصحاب و آموزش دادن تعلیمات اسلامی برگزید، خانه **زید بن ارقم**، از مبلغان صدر اسلام بود؛ مرکزی که پیامبر، اصحاب را در آن جا ملاقات نمود و به آنان مبادی دین جدید (اسلام) را می‌آموخت و از کسانی که به **اسلام** می‌گرویدند، در آن جا استقبال می‌کرد. غیر از خانه ارقم، رسول خدا در **مکه** در منزل خودش نیز به **تعلیم و تربیت** مسلمانان و اصحاب می‌پرداخت. [۶] شبلی، احمد، تاریخ التریبه الاسلامیه، ص ۴۷ - ۴۸.

استفاده از منازل به عنوان مراکز آموزشی، عمدتاً پیش از بنای مساجد و در شرایط خاصی بود. با گسترش قلمرو اسلام و نیازهای فزاینده تازه مسلمانان به تعلیم به ویژه پس از **هجرت پیامبر** به **مدینه** و تاسیس **مسجد النبی**، استفاده از مساجد به عنوان مرکز فراگیری معارف دینی و تعلیمات اسلامی آغاز شد و جلسه‌های درسی و آموزشی مسائل دینی و علمی، در مساجد برگزار می‌گردید. به طور کلی، مکان‌هایی که از آنها به عنوان مراکز فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در **تاریخ اسلام** یاد شده متعدّدند؛ از قبیل گوشه **کعبه** و کنار **حجر اسماعیل** که پیامبر در آن جا تعلیمات دینی به مردم می‌آموخت، بازارچه‌ها، [۷] الماسی، علی‌مجد، تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص ۱۹۷-۱۹۸. مکتب‌خانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، منازل علما و دانشمندان، تالارهای ادبی و بیت‌الحکمه‌ها. [۸] شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه مجد حسین ساکت، قسمت جایگاه‌های آموزشی.

اما مراکز عمده‌ای که در آنها آموزش و تعلیم انجام می‌شد که تا کنون نیز وجود دارند، در ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد. تذکر این نکته لازم است که در گذشته، مراکز آموزشی و علمی شیعی و غیر شیعی چندان از یکدیگر متمایز نبود؛ به همین دلیل، ما به صورت عام به آنها پرداخته‌ایم:

← مساجد

شاید از نظر تاریخی بتوان گفت: مکتب‌خانه‌ها جلوتر از مساجد به عنوان مرکز آموزشی مطرح بوده‌اند، اما واقع این است که استقبال از خواندن و نوشتن، هم زمان با بعثت پیامبر و ترویج **فرهنگ اسلامی** آغاز شد و علاوه بر این، مساجد از نظر اهمیت، در تاریخ اسلامی از تقدم برخوردارند. بنابراین، می‌توان گفت **مسجد**، هم از نظر تاریخی و هم از نظر اهمیت تقدم دارد؛ از این رو، ابتدا مسجد را ذکر می‌کنیم. مسجد، نخستین مرکزی است که در تاریخ آموزش اسلام، به عنوان کانون مهم آموزشی و پرورشی، اهمیت بسیاری دارد. «مسجد نبوی» در مدینه، نخستین جایگاه اصلی آموزش اسلام بود. «**مسجد الحرام**» در مکه و مساجد «**جامع بصره**» و «**کوفه**» نیز از نخستین مساجد هستند که تعلیمات دینی و فعالیت‌های فرهنگی در آن انجام می‌شد. «مسجد النبی» افزون بر این که مرکز تعلیم و تربیت بوده، مرکز تبلیغ، قضاوت، بررسی مسائل نظامی و سیاسی و تجهیز نیرو برای دفاع از اسلام نیز به شمار می‌آمده است. [۹] الماسی، علی‌مجد، تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص ۱۹۸.

در تاریخ اسلام، مسجد یگانه جایگاهی بوده که تجمع تازه مسلمانان و یاد دادن تعلیمات اسلامی برای آنان، در آن امکان پذیر بوده است. بدین دلیل، دو شادوش گسترش اسلام، شاهد تاسیس مساجد هستیم و هر جا اسلام راه می‌یافت، مسجدی برای اقامه امور عبادی، فقهی، اجتماعی و فرهنگی ساخته می‌شد.

با گذشت زمان، در مرکزیت مسجد برای فعالیت‌های آموزشی نیز تحولاتی پیدا شد، به این صورت که هر جا مسجدی ساخته می‌شد، در کنار یا قسمتی از آن، جایی را برای بحث و تدریس طلاب در نظر می‌گرفتند. برای نخستین بار، در سال ۱۴۷ وقتی کار ساخت مسجد «منصوری» در بغداد آغاز شد، قسمتی از آن برای امر آموزش اختصاص یافت. [۱۰] شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ص ۹۱ و ۹۲.

به طور کلی، مساجد در تاریخ فرایند آموزش در اسلام، از کهن‌ترین پایگاه‌های اساسی بوده‌اند (همانند مسجد تاریخی **برائا** در بغداد) و هنوز نیز در بسیاری از سرزمین‌های مسلمانان، یکی از کارکردهای اساسی مسجد، فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی به شمار می‌آید.

← مکتب‌خانه‌ها

از دیگر مراکزی که خواندن و نوشتن و آشنایی با قرآن و احکام ضروری اسلام در آن انجام می‌گرفت، مکتب‌خانه‌ها بود. هر چند مکتب‌خانه‌هایی که در آنها خواندن و نوشتن انجام می‌شد، پیش از اسلام نیز وجود داشت، ولی هم زمان با شکوفایی اسلام، از خواندن و نوشتن استقبال گردید و **مکتب‌خانه** فعال شدند.

[۱۱] بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۴۵۶.

این در حالی است که پیش از بعثت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) افرادی که توانایی خواندن و نوشتن داشتند، در تمام **جزیره العرب** معدود بودند. [۱۲] بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۴۵۷.

پیامبر با استفاده از شیوه‌های گوناگون عملی و تربیتی مانند آزادی اسیران جنگی در برابر آموزش فرزندان مسلمانان، و نیز شرکت در یکی از دو حلقه‌ای که در مسجد به مباحثه‌های علمی مشغول بودند در برابر حلقه دیگر که به **عبادت** می‌پرداختند، مردم را به خواندن و نوشتن تشویق می‌کرد. برخی خواسته‌اند میان مکتب‌هایی که در آنها آموزش **قرآن** و مسائل ضروری اسلام صورت می‌گرفت، و مکتب‌هایی که در آنها خواندن و نوشتن انجام می‌شد، تفکیک قایل شوند.

[۱۳] شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ص ۵۴.

که البته کلیت این ادعا قابل تردید است؛ زیرا به رغم جایگاه ارزشی دانش در اسلام و عدم ضرورت ایجاد تمایز بین محل خواندن و نوشتن و آشنایی با قرآن و **احکام اسلامی**، از موارد یاد شده در تاریخ به عنوان مرکز تعلیم و تعلم، چنین استفاده نمی‌شود که این مراکز، به یکی از دو موضوع مزبور اختصاص داشت. «**مکتب‌خانه ابوالقاسم بلخی**» از جمله مکتب‌خانه‌هایی بوده که سه هزار دانش آموز در آن آموزش دیدند؛ در حالی که هیچ گونه تصریحی وجود ندارد که چه نوع فعالیت آموزشی در آن بوده است.

رونق مکتب‌خانه‌ها، به عنوان مراکز آموزشی و تعلیم با قدمت تاریخی که دارند، با تاسیس دبستان و مدارس ابتدایی و دولتی کاسته شد، اما هنوز هم وجود دارند و در بسیاری از کشورهای اسلامی که پدیده مدرسه‌سازی گسترش نیافته، مکتب‌خانه‌ها، مراکز آموزش‌های ابتدایی به شمار می‌آیند. در فرایند آموزشی در مناطقی که مدرسه سازی رواج نیافته، آموزش در مکتب‌خانه‌ها، نخستین مرحله از فرایند آموزشی است. شاگردان ضمن آشنایی با قرآن، سواد خواندن و نوشتن و نیز مسائل ضروری و **احکام اسلامی** را هم در آن جا فرا می‌گیرند، سپس آنها که به ادامه تحصیل علاقه دارند، به مدراس و مراکز علمی می‌روند تا آموزش‌های عالی را فراگیرند. باید خاطر نشان کرد که ادامه تحصیل پس از مرحله اول، تنها به علایق شخصی شاگردان مربوط نمی‌شود؛ بلکه جنبه‌های دیگری از قبیل وضعیت اقتصادی خانواده، شرایط فرهنگی، جایگاه دانش و علم آموزی و شرایط سنی و جنسی نیز از عناصر دخیل در این امر هستند.

← مدارس

با گذشت زمان و در پی گسترش دامنه فراگیری دانش و علم آموزی و در نتیجه، افزایش دانش پژوهان و حلقه‌های درس و بحث و از سوی دیگر، برای جلوگیری از مزاحمت‌هایی که در مساجد برای نمازگزاران پیش می‌آمد، ضرورت ایجاد فضاهایی مستقل برای آموزش، روز به روز بیش تر شد و بدین سان، در سرزمین‌های اسلامی مراکزی با نام «**مدرسه**» پدید آمد.

زمینه پیدایش مدارس، در سده‌های نخستین اسلامی به وجود آمد، ولی در کتاب‌های تاریخی، ایجاد فضای جداگانه تحت عنوان مدرسه و برای تمرکز نسبی درس و بحث معارف اسلامی در آنها، از پدیده‌های سده چهارم نقل شده است. از میان شهرها، **نیشابور** در تاسیس مدرسه سازی سبقت تاریخی دارد و بر اساس اسناد تاریخی، در این شهر، در دانشمندان بزرگ دیگر سرزمین‌های اسلامی برای تدریس دعوت به عمل می‌آمد. مدرسه «**بیهقیه**» از کهن‌ترین مدارس است که در نیشابور تاسیس شده است.

[۱۴] غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۱۰۶.

[۱۵] غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۱۱۲.

در زمینه آغاز مدرسه‌سازی آمده است:

و المدارسُ مما حدثَ فی الاسلام و لم تکن تُعرفُ فی زمن الصحابة و لا التابعین و اما حدث عملها بعد الربع بمانه من سنی الهجرة و اول من بنی مدرسة فی الاسلام اهل نیشابور فبنت بها المدرسة البیهقیة، مدارس، از مستحدثات جهان اسلام است و در زمان **صحابه** و **تابعان**، چنین چیزی معمول نبوده و کار ساختن مدارس، پس از چهارصد سال از هجرت آغاز شده و نخستین مؤسسان مدارس در اسلام، اهل نیشابور بودند که در آن شهر، مدرسه «**بیهقیه**» را بنیان نهادند. (بر این اساس که شهر نیشابور در مدرسه‌سازی دارای قدمت تاریخی است و نخستین مدرسه را اهل نیشابور تاسیس نموده‌اند، این‌اندیشه که **نظام الملک** (متولد ۴۰۸) اولین کسی است که مدرسه تاسیس کرده، چنان که در بسیاری از کتاب‌های تاریخی آمده است، اندیشه‌ای ناصواب خواهد بود، مگر این که بعضی امکانات و شیوه‌های جدید را ملاک قرار دهیم)

[۱۶] تاریخ تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۶، به نقل از مجله حوزه، ش ۱، (بهار ۱۳۷۰)، ص ۵۸.

[۱۷] مجله حوزه، ش ۱، بهار ۱۳۷۰، ص ۵۸، به نقل از تاریخ تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۶.

در میان شیعیان، پیدایش مدرسه به شیوه جدید از قرن پنجم ذکر شده؛

[۱۸] غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۱۴۵.

هر چند پیش از آن تاریخ هم از دارالعلم‌هایی نام برده شده است که محل تجمع طلاب علوم بود. چنان که پیش تر نیز یادآور شد، سید مرتضی مرکزی به نام «**دارالعلم**» تاسیس کرد که در آن جا تحصیل، تدریس، تالیف و تربیت شاگردان انجام می‌گرفت و در کنار آن، خود کتابخانه‌ای با هشتاد هزار جلد کتاب داشت و به شاگردان نیز متناسب با شخصیت علمی آنها، ماهانه پرداخت می‌کرد.

از مدرسه‌ای در نزدیکی آرامگاه حضرت **امیرمؤمنان (علیه‌السلام)** در نجف اشرف نام برده شده که در تاریخ مراکز تحصیلی شیعه، از قدمت تاریخی برخوردار است و دانشجویان شیعه در آن حضور داشتند و از کسانی هم که جدیداً وارد مدرسه می‌شدند، تا سه روز به عنوان مهمان‌پذیرایی می‌شد.

[۱۹] غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۱۶۶.

[۲۰] ابن بطوطه، الرحله، ج ۱، ص ۱۰۹.

خلاصه آن که در تاریخ آموزش اسلامی پس از تاسیس مدرسه، این مکان از مهم‌ترین مراکز آموزشی و تنها فضایی است که برای فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی ساخته می‌شود و امور آموزشی، عمدتاً و بلکه در بسیاری از مناطق در عصر کنونی، منحصرأ در مدارس انجام می‌شود.

شیوه‌های گزینش طلاب و نحوه تدریس

تحصیل در همه مدارس دینی و حوزوی رایگان بوده است. در گذشته، افرادی که مرحله تحصیل در مکتب‌خانه را به پایان می‌رسانند و نزد روحانی محل و مکتب‌خانه، دوره‌های آموزش مقدماتی را پشت سر می‌گذاشتند، با مراجعه به مراکز درسی و علمی و در میان گذاشتن یا متولی مدرسه و حوزه، وارد حوزه علمیه می‌شدند. برای ورود طلاب به مدرسه و مراکز آموزشی، شرایط گزینش خاص وجود نداشت؛ تنها هنگام ورود به مدرسه، یک امتحان ساده، آن هم برای آشنایی با سابقه تحصیلی فرد از او گرفته می‌شد و طلاب برای ورود به جلسه درس هم هیچ محدودیتی نداشتند. اما در حوزه‌های علمیه امروز، این امر تا حدی قانونمند تر و دقیق تر از گذشته انجام می‌شود.

در نظام حوزه، بین شاگردان و استادان رابطه‌ای صمیمانه و نزدیک وجود داشت. گاه فردی که در زمینه خاصی به تحصیل علاقه‌مند بود، از استاد درخواست می‌کرد تا در آن رشته خاص برای او تدریس کند.

در زمینه شیوه تدریس، یکی از روش‌های رایج و متداول درحوزه‌های علمیه که از آغاز شکوفایی اسلام پدید آمد، حلقه درس است. آغاز گر این شیوه آموزشی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود. آن حضرت برای گسترش تعلیمات دینی، افراد را فرا می‌خواند و حلقه‌های آموزشی ایجاد می‌کرد.

[۲۱] غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۲۳۱.

در این شیوه تدریس، معمولاً استاد روی تشک، در کنار دیوار یا ستون می‌نشیند و شاگردان هم مقابل او حلقه می‌زنند. اگر تعداد شاگردان زیاد باشد، به ویژه در گذشته که وسایل سمعی - بصری هم وجود نداشت، برای آن که استاد همه را ببیند و صدایش هم به گوش همه شاگردان برسد، روی صندلی یا منبرک می‌نشست و تدریس می‌کرد.

جلسه‌های درس استادان، با توجه به توانایی علمی، شهرت، نحوه تدریس، **تهذیب نفس** و مانند آن، از نظر تعداد شاگردان متفاوت بوده است. جلسه‌های درس و تعداد شاگردان استادان مجرب و آنها که توانایی علمی بالایی داشته‌اند، زیاد بوده است. در تاریخ از موارد یاد شده که برخی شاگردان که از کیفیت تدریس یا توانایی مدرس راضی نبودند، جلسه درس را ترک می‌کردند و در حلقه درس استاد دیگری شرکت می‌جستند.

یکی از عوامل هجرت طلاب از مناطق گوناگون و دور دست به مراکز مهم علمی و آموزشی، با وجود حوزه و مراکز علمی در مناطق خودشان، همین شهرت علمی حوزه و استادان بوده است. فضای درسی حوزه، شهرت علمی استادان و تعداد شاگردان حوزه، همواره عامل جذب طلاب از سرزمین‌های گوناگون به آن مرکز و حوزه‌ها بوده است.

حتی پایگاه و اعتبار علمی شاگردان و طلاب، بر اساس موقعیت و پایگاه علمی مدرسان و استادان و حوزه‌ای که در آن تحصیل می‌کردند، سنجیده می‌شود.

یکی از شیوه‌هایی که از آغاز سده‌های اسلامی متداول بوده «**املاء**» است؛ بدین صورت که استاد مطالب خود را از روی یادداشت‌های شخصی به صورت بند بند برای شاگردان الفا می‌کرد و شاگردان آنها را یادداشت می‌نمودند. به مجموعه مطالب یاد داشت شده «**امالی**» گفته می‌شود. معمول بوده است که استادان، مجموعه نوشته‌های برخی از شاگردان را می‌دیدند و نواقص آنها را بر طرف می‌کردند و در صورت تقاضای صاحب امالی، استاد به او اجازه (گواهی‌نامه) می‌داد تا آن را برای دیگران بخواند.

قرائت متن کتاب، اعم از حدیثی یا غیر حدیثی توسط استاد و سپس توضیح و تبیین آن، از دیگر شیوه‌های متداول در حوزه بوده است. استاد، کتابی مشخص را متن خوانی می‌کند و شاگردان در حالی که هر کدام یا اغلب یک نسخه از آن کتاب را در اختیار دارند، به دقت گوش می‌دهند و برخی هم توضیحات استاد را یادداشت می‌کنند.

پرسش و پاسخ بین استاد و شاگرد در هنگام تدریس، یکی از شیوه‌هایی است که در نظام درسی حوزه وجود داشته است و حتی دربرخی موارد، پرسش و پاسخ به مشاجره و مناظره کشانده می‌شود.

منابع مالی

تامین بودجه، از نیازهای اساسی هر سازمان و مرکز علمی است تا بتواند با تکیه بر منابع مادی و اقتصادی، درپهینه سازی و کار کردن فعالیت‌های سازمانی موفقیت داشته باشند.

حوزه و روحانیت از ابتدا به مردم وابسته بوده، نه به حکومت و مراکز و مؤسسه‌های علمی شیعه، به دور از نفوذ و سلطه حکومت، استقلال کامل داشته است.

[۲۲] علوی، حسن، شیعه و حکومت در عراق، ص ۲۶.

بر اساس اسناد تاریخی، راه‌های تامین مخارج حوزه که عمدتاً مردم بوده‌اند، عبارت است از:

← وجوهات شرعی

تنها بودجه‌ای که هزینه زندگی روحانیان و حوزه‌های علمیه و مراکز آموزش را تأمین می‌کند، **وجوهات شرعی** است که شامل **خمس**، **زکات** و **صدقات** است که از زمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) توسط مأمورانی که از سوی آن حضرت به اطراف و اکناف اعزام می‌شدند، جمع‌آوری می‌گردید و پس از وی، در زمان حضرت امیر (علیه‌السلام) و در عصر دیگر امامان نیز این‌گونه بوده است. [۲۳] علوی، حسن، شیعه و حکومت در عراق، ج ۱، ص ۱۹۹.

← موقوفات و بخشش‌ها

یکی دیگر از منابع تأمین مخارج زندگی روحانیان در حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی، موقوفات و هدایای مردمی بوده و آنان با قناعت و روش زاهدانه‌ای که داشته‌اند، با آن امرار معاش می‌کرده‌اند.

[۲۴] الامین، محسن، اعیان الشیعه، ص ۱۵۴.

[۲۵] الامین، محسن، اعیان الشیعه، ص ۶۷۹.

از موارد مذکور، آن چه در زمینه تأمین مخارج طلاب در آن روز (همانند امروز) مهم به نظر می‌رسد، کمک‌ها و وجوهات شرعی است که از طرف مردم می‌رسید؛ زیرا در زمان **غیبت صغری**، کتاب‌های تاریخی از جمع‌آوری وجوهات شرعی قابل توجهی توسط وکلای آن حضرت یاد نموده‌اند که در بخش‌های پیشین به آن‌ها اشاره شد. با توجه به توصیه **امام دوازدهم (علیه‌السلام)** مبنی بر مراجعه مردم پس از عصر ایشان به فقها و راویان سنت و احادیث پیامبر، می‌توان استفاده نمود که مردم و شیعیانی که با فرهنگ اسلامی و پرداخت وجوهات شرعی خو کرده بودند، این کمک‌ها را به فقهای شیعه تحویل می‌دادند و آنان در موارد لازم که از آن جمله مصارف طالبان علم بود، آن را به مصرف می‌رساندند.

از مطالب شیخ مفید در کتاب **المقنعه** در زمینه «زکات» (در زمان حضور پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصوم (علیهم‌السلام) باید زکات به آن‌ها یا به وکلا و کسانی که جانشین آن‌ها هستند داده شود، و در عصر غیبت باید به فقهای امین داده شود؛ زیرا آنان بهتر می‌دانند که در کجا به مصرف برسانند) [۲۶] الامین، محسن، اعیان الشیعه، ص ۲۵۲.

چنین استفاده می‌شود که وی ضمن این که علما و فقها را داری شرایط دریافت زکات (و دیگر وجوهات) می‌دانست، در مصرف آن نیز به عنصر معرفت و تعهد دینی توجه کرده است. از این رو، مشخص‌ترین مورد مصرف اموالی که از شیعیان به فقها می‌رسید و در راس آنان مراجعی هم چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی بودند، طلاب علوم دینی بود.

اعیان الشیعه از وفور و کثرت خمس و وجوهات شرعی در عصر غیبت صغری یاد نموده است که از طریق وکیلان و نایبان برای امام زمان (علیه‌السلام) می‌رسید.

[۲۷] الامین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۷۸.

این نیز شاهدهی است بر این که پس از غیبت صغری، شیعیان با توجه به این که متون دینی و روایی، آنان را به علما و فقها ارجاع داده، کمک‌ها و وجوهات شرعی شان را به علمای دینی تحویل می‌داده‌اند.

گذشته از آن، با توجه به این که در آن زمان، طلاب و علمای دینی از سرزمین‌های دوردست اسلامی (با وجود محرومیت از وسایل ارتباطی و ایاب و ذهاب امروزه) برای تحصیل می‌آمدند و در آمدی نداشتند و با خود هم نمی‌توانستند به قدر کافی خوراک و پوشاک بیاورند تا در طول دوران تحصیل از آن‌ها استفاده کنند، راه درآمدی غیر از وجوهات شرعی و بخشش‌های شیعیان و افراد نیکوکار نبود و زعیم و سرپرست حوزه، آنان را مشمول کمک‌های مورد نیاز قرار می‌داد. این که اسناد مکتوبی در این زمینه در دست نداریم، شاید به دلیل وجود جو ارباب و **تقیه** علما بود که در زمان غیبت صغری وجود داشت. نویسنده کتاب **تاریخ الغیبة الصغری** می‌نویسد: «فالتوزیع کان سراً للغایة، بعيداً عن اعیان الدولة و لا یصرّح به الا نادراً، و من هنا لم تصل اخباره، و لعلّ الاغلب هو توزیع الاموال علی الاسلوب التجاری». (توزیع اموال شدیداً مخفی و دور از چشم جاسوسان حاکمیت انجام می‌گرفت. از این رو در اسناد تاریخی، به جز موارد کمی نیامده و به همین دلیل است که اخبار آن به صورت کامل به دست نرسیده و شاید هم شبیه معامله بوده است)

[۲۸] صدر، مجد، تاریخ الغیبة الصغری، ص ۴۸۲.

این نکته را می‌توان در دوره آغاز غیبت کبری و اوایل شکل‌گیری حوزه و روحانیت شیعه نیز در نظر گرفت که کمک‌های شیعیان نیز به صورت مخفی و پنهانی انجام می‌گرفت؛ البته این مطلب در کتاب‌های تاریخی به صورت مشخص یادآوری نشده است.

پانویس

- ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۲.
- ↑ جمعه/سوره ۶۲، آیه ۲.
- ↑ حدید/سوره ۵۷، آیه ۲۵.
- ↑ مجله‌اندیشه حوزه، سال پنجم، ش ۱، (تابستان ۱۳۷۸)، به نقل از عبدالعزیز بن براج طرابلسی، المذهب، ج ۱.
- ↑ مجله‌اندیشه حوزه، سال پنجم، ش ۱، (تابستان ۱۳۷۸)، به نقل از مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۳۹۷.
- ↑ شبلی، احمد، تاریخ التریبه الاسلامیه، ص ۴۷ - ۴۸.
- ↑ الماسی، علی‌مجد، تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص ۱۹۷-۱۹۸.
- ↑ شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه مجد حسین ساکت، قسمت جایگاه‌های آموزشی.
- ↑ الماسی، علی‌مجد، تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص ۱۹۸.
- ↑ شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ص ۹۱ و ۹۲.
- ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۴۵۶.
- ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۴۵۷.
- ↑ شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ص ۵۴.
- ↑ غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۱۰۶.
- ↑ غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۱۱۲.
- ↑ تاریخ تمدن اسلامی، ج ۳، ص ۶، به نقل از مجله حوزه، ش ۱، (بهار ۱۳۷۰)، ص ۵۸.
- ↑ مجله حوزه، ش ۱، بهار ۱۳۷۰، ص ۵۸، به نقل از تاریخ تمدن اسلامی، ج ۳، ص ۶.
- ↑ غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۱۶۵.
- ↑ غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۱۶۶.
- ↑ ابن بطوطه، الرحله، ج ۱، ص ۱۰۹.
- ↑ غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص ۲۳۱.
- ↑ علوی، حسن، شیعه و حکومت در عراق، ص ۲۶.
- ↑ علوی، حسن، شیعه و حکومت در عراق، ج ۱، ص ۱۹۹.
- ↑ الامین، محسن، اعیان الشیعه، ص ۱۵۴.
- ↑ الامین، محسن، اعیان الشیعه، ص ۶۷۹.
- ↑ الامین، محسن، اعیان الشیعه، ص ۲۵۲.
- ↑ الامین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۳۷۸.
- ↑ صدر، مجد، تاریخ الغیبة الصغری، ص ۴۸۲.

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «ساختار تشکیلات روحانیت شیعه و حوزه های علمیه»، تاریخ بازیابی ۹۷/۳/۲۴.

رده‌های این صفحه : حوزه علمیه قم | حوزه های علمیه | مقالات اندیشه قم